



یادداشت



دکتر ابراهیم طاهری  
هیئت علمی علوم سیاسی  
دانشگاه یزد



نقش حاج قاسم در شکست پروژه‌بی‌دولتی  
در کشورهای عضو محور مقاومت

اشاره | منطقه موسوم به جهان اسلام از زمان حضور قدرت‌های بزرگ، رنگ آرامش را به خود ندیده است. این منطقه دیرزمانی است که در نتیجه مداخله مداوم قدرت‌های بزرگ، به سمت ناامنی حرکت کرده است. غربی‌ها از حضور در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه)، دو هدف عمده را دنبال می‌کنند؛ تأمین نفت ارزان و امنیت رژیم صهیونیستی. به همین دلیل نیز با همه توان خود، تلاش می‌کنند تا به اهداف ذکر شده، دست پیدا کنند. در این راستا، به نظر می‌رسد یکی از پروژه‌هایی که می‌تواند به آن‌ها در رسیدن به اهدافشان کمک کند، عملیاتی کردن تئوری نظم بسامان است. در قالب این تئوری، باید غرب آسیا درگیر ناامنی فزاینده از طریق شکست دولت شود که با شکست دولت یا به تعبیری بی‌دولتی در این منطقه، می‌توان به اهداف مورد نظر دست پیدا کرد. البته جریانی برآمده از انقلاب اسلامی با مدیریت و سردمداری شهید حاج قاسم سلیمانی، تلاش می‌کند تا از پروژه شکست دولت در کشورهای عضو محور مقاومت جلوگیری کند.

### بخش اول: پروژه بی‌دولتی؛ ابعاد و پیامدها

منطقه موسوم به جهان اسلام، مدت‌ها است که بحران‌های مختلفی را پشت سر گذاشته و از زمان حضور قدرت‌های بزرگ در این منطقه راهبردی، رنگ آرامش را به خود ندیده است. شاید بتوان گفت از زمان حضور انگلیسی‌ها، خلیج فارس از ۳۰۰ سال گذشته تاکنون، به سمت آشوب و هرج و مرج متمایل شده است. در واقع، آن‌ها وارد منطقه شدند، پرتغالی‌ها را از خلیج فارس خارج کردند اما خود به مهم‌ترین معضل و عامل ناامنی و اختلافات میان دولتی تبدیل شدند. افول انگلستان و خروج این کشور از غرب آسیا بعد از ۱۹۷۱ م، باعث شد تا دیگر قدرت‌ها، تلاش کنند جای خالی این قدرت را در نظام منطقه‌ای غرب آسیا و شمال آفریقا پر کنند؛ از جمله این قدرت‌ها، ایالات متحده آمریکا است که تحت عنوان هژمون نظام جهانی، تلاش کرده است تا نظم مورد نظر خود را در غرب آسیا برقرار کند. البته آنچه در ذهن آمریکایی‌ها می‌گذرد، نظم نیست بلکه «تئوری هرج و مرج بسامان» است. تئوری نظم بسامان به دولتمردان آمریکایی، این سیاست را پیشنهاد می‌دهد؛ آن‌چنان‌که غرب آسیا را درگیر بحران و ناامنی

کنید که از دل آن، بتوانید منافع ملی ایالات متحده آمریکا را تأمین کنید. از نظر آن‌ها، این خاک را باید آن‌چنان با خون آغشته کنید که قادر باشید از طریق آن، به اهداف بلندمدت خود دست پیدا کنید. حال، چگونه می‌توان این تئوری را به عمل نزدیک کرد؟ دولت‌های منطقه را به مرز ورشکستگی نزدیک و در نهایت، در فرصت کلیدی آن‌ها را از صحنه گیتی حذف کنید. آنگاه که دولت حذف شد، نظم و امنیت به‌عنوان پایه‌های کلیدی رفاه و سعادت، از بین خواهد رفت. جریان و گفتمانی با محوریت تمدن غربی - که جز به نفت و امنیت اسرائیل نمی‌انداشد - در تلاش است تا از طریق پروژه بی‌دولتی، غرب آسیا را به نقطه تاریک تاریخ برساند. به وقوع ناامنی در عراق، سوریه، لبنان و حتی یمن، از این دریچه نگریسته می‌شود. با وجود این، جریاناتی در سطح منطقه‌ای با الهام از انقلاب اسلامی شکل گرفته‌اند که تلاش کردند از پدیده شکست دولت در غرب آسیا با مداخله قدرت‌های فرا منطقه‌ای، جلوگیری به عمل آورند که در ادامه، به بخشی از آن پرداخته خواهد شد.

## بخش دوم: چگونگی مقابله با پدیده بی‌دولتی به رهبری شهید حاج قاسم سلیمانی

همان‌طور که اشاره شد، در برابر این جریان و گفتمان ضد اسلامی، گفتمانی تلاش می‌کند تا جریان حوادث را معکوس کند و از پروژه بی‌دولتی در منطقه جلوگیری نماید. این جریان از دل انقلاب اسلامی بیرون آمده است؛ جریانی که نگاهی مبتنی بر حب و دوستی بر کشورهای منطقه دارد. این جریان برخلاف جریان آمریکایی-انگلیسی-که صرفاً به نفت و امنیت رژیم صهیونیستی در غرب آسیا می‌اندیشد- به نظم، رفاه، مشارکت و درنهایت، احترام مبتنی بر شأن و منزلت در این منطقه راهبردی می‌اندیشد. آن‌ها به خوبی آگاه هستند که مؤلفه‌های ذکر شده بدون وجود دولت، امکان تحقق ندارد؛ بنابراین از ابزارهای مشروع برای ممانعت از پروژه شکست دولت و درنهایت، بی‌دولتی در غرب آسیا، به خصوص کشورهای عضو محور مقاومت، استفاده می‌کنند تا همچنان حداقلی از نظم، رفاه، مشارکت و احترام مبتنی بر شأن و منزلت در منطقه باقی بماند. البته که در میان جریان موسوم به مانعان پروژه شکست دولت در غرب آسیا و شمال آفریقا، افرادی هستند که چون الماس درخشانی بر این تاریکی، نوری می‌افکنند تا همچنان کورسوه‌های امید سوسو کند. او کسی نیست جز شهید حاج قاسم سلیمانی، فرزند برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی. او که فراتر از عصر مدرن است، واقعیت و قدرت تمدن مهاجم غربی را به دیدگان خویش می‌بیند اما حاضر نیست، از آرمان خویش گذر کند. او به خوبی آگاه است که داعش در غرب آسیا و شمال آفریقا، به دنبال شکل دهی به دولت نیست و در پشت آرمان خلافت اسلامی، آنارشیسم و بی‌دولتی مدنظر، قدرت‌های

بزرگ را پنهان کرده است. ایشان درک کرده بود که داعش، زیر لوای اسلامی، اهداف غربی‌ها را در منطقه دنبال می‌کند. به همین دلیل، ابتدا تلاش می‌کنند تا در منطقه، متحدان ایران را زمین‌گیر نمایند. در نتیجه، سلیمانی با ابزارهای مختلف تلاش نمود تا از عنصر دولت در کشورهای منطقه محافظت کند. البته در این مسیر از ابتکاری جالب بهره می‌گرفت؛ او و دیگر هم‌زمانش در سپاه قدس انقلاب اسلامی، تلاش کردند تا از طریق بسیج مسلمانان علاقه‌مند به اسلام راستین، از هویت کلی دولت در جهان اسلام دفاع کنند. به همین دلیل، به سمت آموزش لشکری متشکل از زینبیون پاکستان و فاطمیون افغانستان حرکت کرد و موفق شد، بسیجی فراگیرا علیه داعش و کسانی که در اندیشه بی‌دولتی در منطقه بودند، شکل دهد. به جرئت می‌توان گفت، موفقیت ایران در زمین سیاسی سوریه و عراق، برگرفته از درایت و مدیریت اشخاصی همچون حاج قاسم سلیمانی است. او که مرد میدان‌های سخت بود، در میانه بحران سیاسی سوریه-که به فروپاشی و بی‌دولتی، نزدیک شده بود- روس‌ها را وارد میدان سوریه کرد؛ روسیه وارد میدان نبرد شد و با همراهی نیروهای تحت هدایت و مدیریت شهید سلیمانی از فروپاشی نظام سیاسی سوریه جلوگیری شد. او بود که به مسکو رفت و روس‌ها را به حضور در میدان سوریه ترغیب کرد و او بود که با بسیج سیاسی لشکری از فاطمیون و زینبیون، موفق شد از دولتی محافظت کند که ممکن بود فروپاشی آن، منجر به شکل‌گیری هرج و مرجی شود که در تئوری هرج و مرج بسامان از سوی اندیشمندان آمریکایی، وعده آن داده شده بود. او بود که با شکل دهی به حشد الشعبی در عراق، تلاش



صلح و دوستی هستند، می‌تواند باعث ترویج اندیشه آن‌ها و صلح‌خواهی شود. شهید حاج قاسم سلیمانی، فرزند مکتب امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، جان خود را در مسیر جلوگیری از پروژه بی‌دولتی برنامه‌ریزی شده توسط غربی‌ها در قالب تئوری هرج و مرج بسامان فدا کرد. البته او قبل از آن‌که به مقام شامخ شهادت نائل آید، دست به ابتکاراتی همچون بسیج سیاسی در کشورهای لبنان، پاکستان و افغانستان برای دفاع از دولت و کیان اسلامی در منطقه زد. او بود که با سفر به مسکو، باعث شد تا روس‌ها به حضور و مداخله در امور سوریه، برای جلوگیری از فروپاشی نظم سیاسی قانع شوند و در نهایت، باید گفت که وجود حشدالشعبی در عراق - که نماد امنیت‌خواهی و مقابله با سلطه خارجی است - حاصل اندیشه و تفکر شهید حاج قاسم سلیمانی است که می‌خواست پروژه بی‌دولتی در منطقه را به شکست بکشاند که موفق هم شد.

کرد تا از فروپاشی دولت و در نهایت، تجزیه احتمالی این کشور جلوگیری کند. به همین دلیل بود که او مهم‌ترین ضربه‌ها را به آرمان آمریکایی هرج و مرج بسامان که نهایتاً به بی‌دولتی و آنارشسیسم در غرب آسیا منجر می‌شد، وارد کرد. به همین دلیل بود که آمریکایی‌ها وجود او را تحمل نکرده و تلاش نمودند با حذف او از صحنه سیاست بین‌الملل، زمینه را برای پیشبرد اهداف استعماری خود فراهم آورند. گرچه تاریخ‌نشان داده است که مردان بزرگ در نقش مکتب‌سازانی هستند که اندیشه آن‌ها بدون وجود جسم خاکی‌شان، می‌تواند همان کاری را انجام دهد که در زمان حیاتشان در این دنیا انجام می‌شد.

### نتیجه‌گیری

مردان بزرگ و دارای شخصیت کاریزماتیک، همواره به دنبال تحقق اهداف فراملی هستند، اهداف اصلی که ریشه در آرمان‌های مکتبی آن‌ها دارد. سخن گفتن و نوشتن از افرادی که در خدمت آرمان بشریت یعنی